

تحلیل نقش توانمندسازی ساکنان در بهسازی کالبدی- محیطی سکونتگاه‌های غیررسمی نمونه موردی: محدوده شرق کال عیدگاه شهر سبزوار

هاشم داداش‌پور^۱
سعید حسین‌آبادی^۲
مهدی پورطاهری^۳

چکیده

سکونتگاه‌های غیررسمی یکی از مهم‌ترین چالش‌های شهری امروز ایران محسوب می‌شود؛ به طوری که نه تنها در شهرهای بزرگ بلکه در شهرهای میانی و کوچکنیز چنین پدیده‌ای وجود دارد. شهر سبزوار از جمله شهرهای میانی است که با مسأله اجتماعات غیررسمی و خودساخته روبروست؛ به طوری که نزدیک به ۳۰ هزار نفر از جمعیت آن (نزدیک به یک هشتم) در سکونتگاه‌های غیررسمی که دور تا دور شهر را فرا گرفته است زندگی می‌کنند. در این میان محدوده شرق کال عیدگاه بزرگ‌ترین کانون اسکان غیررسمی این شهر هم از نظر جمعیت و هم وسعت محسوب می‌شود، که نیازمند برخوردی جامع و چند بعدی است. با درک این موضوع، تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سوال اساسی است که آیا با توانمندسازی اجتماعات محلی شرق کال عیدگاه - به عنوان مهم‌ترین هسته اسکان غیررسمی این شهر- بهسازی کالبدی-فضایی این محدوده امکان‌پذیر است یا خیر؟ روش تحقیق مقاله، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. شیوه گردآوری داده‌ها ترکیبی از روش کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی بوده و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. روش نمونه‌گیری، تصادفی ساده و حجم نمونه ۱۵۰ خانوار است که از طریق همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی به تحلیل آن اقدام شده است. در این تحقیق هر کدام از حوضه‌های توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و

Email:h-dadashpoor@modares.ac.ir.

۱- استادیار دانشگاه تربیت مدرس تهران.

۲- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی دانشگاه تربیت مدرس تهران.

۳- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

نهادی به عنوان متغیرهای مستقل با مولفه‌های معنی‌داری، خودتعیینی، شایستگی، تأثیر و اعتماد و متغیر تمایل به مشارکت در بهسازی کالبدی نیز به عنوان متغیر وابسته مورد توجه قرار گرفته است. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که بین سطح توانمندی ساکنان و میزان تمایل آن‌ها برای مشارکت در بهسازی کالبدی - محیطی رابطه معناداری وجود دارد. ضریب تعیین برای توانمندی‌های اجتماعی ۴ درصد، اقتصادی ۲/۹ درصد و نهادی ۴/۴ درصد به دست آمد. اما تأثیر هر یک از ابعاد توانمندی به یک اندازه نیست بلکه در درجه اول توانمندی‌های نهادی، سپس توانمندی‌های اجتماعی و در درجه بعدی توانمندی‌های اقتصادی می‌تواند در افزایش مشارکت ساکنان در برنامه‌های بهسازی کالبدی - محیطی موثر باشد.

واژگان کلیدی: سکونتگاه غیررسمی، توانمندی‌های بهسازی کالبدی - محیطی، شرق کال عیدگاه، شهر سبزوار.

مقدمه

محلات فقیرنشین و سکونتگاه‌های غیررسمی یکی از معضلات شهرهای کشورهای درحال توسعه و توسعه نیافته به شمار می‌رود. برای درک حجم این مسأله می‌توان به گزارش هییتات^۱ در سال ۲۰۰۶ استناد کرد که بیانگر حضور حدود ۳۱ درصد (نزدیک به یک میلیارد نفر) جمعیت شهرنشین دنیا، در سکونتگاه‌های غیررسمی است. در کشورهای درحال توسعه حدود ۴۱ درصد جمعیت شهرنشین و در کشورهای پیشرفته ۶ درصد جمعیت شهرنشین با این معضل رو به روهستند (UN-Habitat, 2006). در ایران نیز به عنوان کشوری درحال توسعه، اسکان غیررسمی پدیده‌ای چشمگیر است؛ به طوری که بنابر برآورد بانک مرکزی ایران در سال ۱۳۸۵، جمعیت سکونتگاه‌های غیررسمی در کشور، حداقل ۸ میلیون نفر برآورد شده است (صرافی، ۱۳۸۷: ۸). این معضل نه تنها در شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها بلکه در شهرهای میانی و کوچک نیز وجود دارد. شهر سبزوار یکی از این شهرهای میانی است که با مسأله اجتماعات غیررسمی و خودساخته روبروست؛ به طوری که نزدیک به ۳۰ هزار نفر از جمعیت آن (نزدیک به یک هشتم) در سکونتگاه‌های غیررسمی

که دور تا دور شهر را فرا گرفته است زندگی می‌کنند (پیران، ۱۳۸۷: ۱۷). در این میان محدوده شرق کال عیدگاه بزرگ‌ترین کانون اسکان غیررسمی این شهر هم از نظر جمعیت و هم وسعت محسوب می‌شود، که نیازمند برخوردی جامع و چند بعدی است. چرا که اصولاً اسکان غیررسمی به عنوان معلولی کالبدی، نشأت گرفته از علت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی است. از این رو همانگونه که باید به طرح‌های کالبدی پرداخت، باید توسعه همه‌جانبه اقتصادی، اجتماعی اجتماعات محلی در اینگونه سکونت‌گاه‌ها را نیز مدنظر قرار داد (شرکت عمران و بهسازی شهری، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

پیشینه برخورد با این مسأله نیز نشان می‌دهد که اکثر رویکردهای استفاده شده، به دلیل توجه صرف به یکی از ابعاد چندگانه این پدیده (عمدتاً بعد کالبدی) و نیز در نظر نگرفتن خواسته‌ها و نیازهای ساکنان و عدم توجه به مشارکت آنان نتوانسته‌اند موفق عمل کنند. لذا باید در جستجوی رویکردی جامع در نحوه مواجهه با این سکونت‌گاه‌ها بود تا بتوان به یکپارچگی این محله‌ها با محله‌های رسمی شهر دست یافت (زیاری و نوذری، ۱۳۸۸: ۲۱). در این میان، رویکرد توانمندسازی با برخوردی همه‌جانبه به اسکان غیررسمی، بسان پدیده‌ای فراتر از یک موضوع صرفاً کالبدی توجه نموده است. از آنجا که این رویکرد «معتقد به ظرفیت‌سازی در اجتماعات برای حل مشکل آنها با اندیشه و بازوی خود آنهاست» (صرافی، ۱۳۸۲: ۲۷) و تأکید خاصی بر ارتقاء اقتصادی- اجتماعی اجتماعات محلی دارد، می‌توان گفت که افزایش توان مشارکتی ساکنان می‌تواند موجبات پایداری اجتماعات محلی تلقی شود (شرکت عمران و بهسازی شهری، ۱۳۸۱: ۱۱۴). از این رو، این تحقیق به دنبال پاسخ به این سوال کلیدی است که آیا با توانمندسازی مردم شرق کال عیدگاه می‌توان شاهد بهبود کالبدی- محیطی این محدوده بود؟ یا خیر؟ به عبارت دیگر، چه رابطه‌ای بین سطح توانمندی ساکنان با میزان تمایل آنان برای مشارکت در بهسازی محله وجود دارد که در صورت ارتقای توانمندی‌های آنان، وضعیت کالبدی- محیطی نیز بهبود یابد. تحقیق حاضر با محور قرار دادن سوال فوق به عنوان مسأله‌ای که مورد توجه قرار گرفته و محدوده کال عیدگاه به عنوان بزرگ‌ترین محدوده اسکان غیررسمی شهر سبزوار (که خود یکی از بارزترین شهرهای درگیر با معضل اسکان غیررسمی در کشور محسوب می‌شود) به عنوان

نمونه مطالعاتی؛ به دنبال پاسخگویی به سوال فوق‌الذکر است. و متناظر با این سوال فرضیه زیر را مطرح می‌سازد:

فرضیه تحقیق: به نظر می‌رسد بین سطح توانمندی نهادی، اجتماعی و اقتصادی با تمایل ساکنان محله کال عیدگاه جهت مشارکت در بهسازی کالبدی- محیطی محله‌شان رابطه معناداری وجود دارد.

پیشینه و مبانی نظری تحقیق

سکونت‌گاه‌های غیررسمی نواحی مسکونی هستند که در آنها گروهی از واحدهای مسکونی در زمین‌هایی بدون مالکیت قانونی ساخته می‌شوند یا به طور غیرقانونی مورد سکونت قرار می‌گیرند (Bego, 2003:11). این سکونت‌گاه‌ها دارای ویژگی‌های مختلف اجتماعی، مثل حضور مهاجران عمدتاً روستایی، سطح پایین سواد، سهم بالای مهاجرین، ویژگی‌های حقوقی مثل فقدان مالکیت رسمی زمین (داداش‌پور و علیزاده، ۱۳۸۹: ۳۶)، ویژگی‌های اقتصادی مثل سکونت خانوارهای کم‌درآمد و وابستگی شدید به فرصت‌های شغلی غیررسمی (رفیعیان و سیف‌الدینی، ۱۳۸۴: ۲۱)، ویژگی‌های کالبدی- محیطی مانند توسعه بدون برنامه‌ریزی، مکان‌گزینی اغلب این سکونت‌گاه‌ها، در لبه‌های شهری و یا در زمین‌های خالی از سکنه مجاور مناطق مرکزی، استقرار اکثر این مناطق در زمین‌های نامناسب، ناهموار و یا زمین‌های رها شده و بلااستفاده می‌باشند (احمدیان، ۱۳۸۲، ۲۷۷). از این رو، می‌توان گفت که این سکونت‌گاه‌ها پدیده‌ای چند بعدی و پیچیده بوده و نیازمند برخوردی جامع و همه‌جانبه‌اند.

در طول زمان، در برخورد با سکونت‌گاه‌های غیررسمی، رویکردهای متفاوتی مورد آزمون قرار گرفته است. یکی از رویکردهای اولیه در این زمینه، رویکرد نادیده انگاری است که با اتکا به دیدگاه لیبرال که معتقد به گذرا بودن و میرنده بودن اسکان غیررسمی در گذر توسعه جوامع است که رها کردن سکونت‌گاه‌های غیررسمی در دست نامرئی بازار را توصیه می‌کرد (پیران، ۱۳۶۶: ۳۳). این رویکرد تا ۱۹۶۰ مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفت. رویکرد تخلیه اجباری و حذف نیز رویکرد دیگری است که عمدتاً بین ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ رواج داشت و سکونت‌گاه غیررسمی را غده‌ای چرکین بر بدن شهر می‌دانست که باید برچیده شود

(ایراندوست، ۱۳۸۵: ۸۷) و از این رو انتقال مردم از خانه و زمین خود برخلاف میل باطنی‌شان را مورد تأکید قرار می‌داد (Arimah, 2010: 2).

علاوه بر این، رویکرد مسکن اجتماعی که معتقد به حل مسأله از طریق تخریب مساکن غیررسمی و جایگزینی آن با مسکن اجتماعی و شدیداً طرفدار مداخله دولت در تحویل واحدهای مسکونی دائمی است (Abbott, 2002, 306)، رویکرد دیگری است که در دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ مطرح شد. از دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ نیز رویکرد زمین - خدمات، مورد توجه قرار گرفت که تأکید بر واگذاری زمین سرویس داده شده به جای ساختن مسکن برای افراد کم درآمد داشت (هادی‌زاده، ۱۳۸۲: ۳۲-۳۹). این رویکرد، به وجود مسئولیتی مشترک بین مسئولین و مردم معتقد بود که در آن دولت‌های محلی باید بیشتر نقش تسهیل‌گری را ایفا نمایند تا نقش فراهم‌کننده را (pugh, 2001:391).

در دهه ۱۹۸۰، چند چهره عموماً دارای دیدگاه لیبرالی همچون جان اف سی ترنر^۱ انگاره‌های رایج را به چالش کشیده و نوید نگرشی نو در این زمینه را دادند. از نظر ترنر دولت صرفاً باید زمینه‌های بهبود مسکن خودیار را فراهم سازد و شرایط ساخت و امکانات لازم را فراهم کند (پیران، ۱۳۷۳: ۹۶). از این رو، با تأکید بر رویکرد خودیاری، ترنر اعتقاد داشت که امنیت تصرف زمین به عنوان کلید اساسی ارتقاء و بهبود مسکن در زاغه‌ها تلقی می‌شود (داداش‌پور و علیزاده، ۱۳۸۹: ۱۰۹). اجرای رویکردهای فوق‌الذکر، نتایج متعددی به همراه داشت: دو رویکرد بی‌توجهی و تخریب نه چاره‌ای برای بهبود وضعیت این سکونت‌گاه‌ها ارائه دادند و نه کمکی به جلوگیری از ایجاد و گسترش چنین بافت‌هایی کردند. بلکه موجب تشدید و گسترش مسأله شدند. چرا که شکل‌گیری و گسترش این سکونت‌گاه‌ها بنابه دلایل مختلف ساختاری و غیرساختاری، اجتناب‌ناپذیر است. مسکن اجتماعی، علی‌رغم دید مثبت‌تر، نسبت به دو رویکرد قبلی، به دلیل عدم پوشش تمامی متقاضیان و عدم کشش مالی دولت‌ها برای استمرار این ساخت و سازها و نیز خارج ماندن اقشار کم‌درآمد فاقد مشاغل دولتی، (گیلبرت و گاگر، ۱۳۷۵: ۲۲۵-۲۲۱)، عدم توجه به توان اقتصادی خانوارها و

1- John, F.C. Turner

عدم سنخیت نقشه‌های واحدها با سبک زندگی آنها، در تحقق اهداف خود ناموفق بود. طرح‌های زمین خدمات نیز، به دلایلی از جمله لاینحل باقی ماندن مشکل توان اقتصادی خانوارها در پروژه‌های زمین و خدمات، و غفلت از مسائلی مانند حق اشتغال و درآمد، حق شهروندی و سیاست‌های شهری عادلانه با انتقاداتی روبرو گشت (صرافی، ۱۳۸۱: ۸). به رویکرد خودباری و رسمیت بخشیدن به تصرف زمین، نیز انتقاداتی وارد است از جمله اینکه رسمیت بخشی به تصرف زمین بیش از آن که به وضعیت قانونی بستگی داشته باشد به درک ساکنان از احتمال تخلیه و اخراج از زمین بستگی دارد (داداش‌پور و علیزاده، ۱۳۸۹: ۱۰۸)؛ دوم اینکه رسمیت بخشی به تصرف زمین می‌تواند به گروه‌های آسیب‌پذیر یعنی مستأجران (متصرفان) فقیر، صدمه وارد کند (Mukhija, 2001, 215).^۱ در رویکرد بهسازی علی‌رغم تمام محاسن، به دلیل تک‌بعدی نگرستن و خلاصه کردن مشکل این سکونت‌گاه‌ها به مسائل کالبدی و فیزیکی، جای تردید برای خود گذاشته است. نکته منفی دیگر این که معمولاً در این دیدگاه، ظرفیت‌ها و خواسته‌های ساکنان مورد غفلت واقع می‌شود.

تلاش برای رفع نقاط ضعف و انتقادات موجود در رویکردهای قبلی (مثل: تک‌بعدی نگرستن، عدم توجه به توان مالی خانوارها، عدم توجه به مشارکت ساکنان و...) باعث تولد رویکردی نوین با عنوان «توانمندسازی» شد. جان ترنر را می‌توان به نحوی پیشگام رویکرد توانمندسازی دانست. وی از دهه ۱۹۶۰ با نگارش مقاله‌هایی در این زمینه، معتقد بود که حاشیه‌نشینان فقیر، دارای مهارت کافی جهت ساخت مسکن برای خود هستند. او با ذکر نمونه‌هایی از کشورهای در حال توسعه بیان می‌نمود که واقعا سکونت‌گاه‌های غیررسمی از نظر فیزیکی و اجتماعی قابلیت بهبود را دارند. رویکرد توانمندسازی، در اولین کنفرانس اسکان بشر ۵ در سال ۱۹۷۶ در ونکوور (۱۵ سال بعد از اجلاس لیما) به طور روشن مورد بحث قرار گرفت. با این حال، تا سال ۱۹۹۶ کنفرانس Habitat2 در استانبول کمتر مورد

۱- برای مطالعه بیشتر در مورد امنیت تصرف زمین در اسکان‌های غیررسمی به مقاله‌ها شامل: (۱) «امنیت تصرف زمین و میزان مشارکت ساکنان در طرح‌های بهسازی در محله اسلام‌آباد»، داداش‌پور، علیزاده، رفیعیان، مجله علمی و پژوهشی هویت شهر، شماره ۷، سال ۱۳۸۹: (۲). «رابطه بین امنیت تصرف زمین کیفیت مسکن در سکونتگاه غیررسمی اسلام‌آباد تهران»، داداش‌پور، علیزاده، رفیعیان، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۷، سال ۱۳۸۹؛ و همچنین کتاب «اسکان غیررسمی و امنیت تصرف زمین نوشته آقایان دکتر داداش‌پور و مهندس علیزاده، انتشارات آذرخش (۱۳۸۹) مراجعه شود.

توجه بود تا اینکه در این کنفرانس، دیدگاه ترنر، به مثابه جزیی جدایی‌ناپذیر از واژگان اسناد رسمی مورد توجه جدی قرار گرفت (Emer, 2008: 4). از این جهت، جزو رویکردهای نوین برای حل مساله اسکان غیررسمی تلقی می‌شود.

توانمندسازی رویکردی برای توزیع مناسب منابع اقتصادی و اجتماعی به صورت پایدار است. در این شرایط، زندگی اقشار کم درآمد و فقیر با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و اولویت‌بندی نیازها، توسط خود این افراد و مشارکت آن‌ها برای مواجهه با مسائل فقر است (اسکندری، ۱۳۸۲: ۲۰). این رویکرد معتقد است که باید افراد را به گونه‌ای توانمند ساخت که بتوانند در مورد محیط سکونت خویش تصمیم بگیرند (Mukhija, 2001: 21). توانمندسازی دارای دو عنصر مهم عاملیت مردم و جامع‌نگری نسبت به عامل فقر است؛ بدین معنا که غلبه بر موانع در فرایندهای طولانی و با مشارکت فعال گروه‌های ذینفع میسر است و از سوی دیگر، نمی‌توان با بهبود ابعاد خاصی از زندگی گروه‌های در حاشیه (برای مثال تأمین برخی زیرساخت‌ها و خدمات یا برخی امکانات اقتصادی) شاهد توانمندی گروه‌های فوق بود. چرا که فقر و ناتوانی، ابعاد چندگانه‌ای دارد (مهندسین مشاور طرح و معماری، ۱۳۸۶: ۴). در کل رویکرد توانمندسازی با نگاهی چندبعدی، جامع‌تر و مردم‌محورانه‌تر تا حدودی، ضعف‌های قبلی را پوشش می‌دهد. این رویکرد به دنبال تقویت ظرفیت‌های اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و کالبدی این سکونت‌گاه‌ها به صورت جامع است، و سعی می‌کند با مشارکت دادن مردم و برنامه‌ریزی با آنها، مشکل شکاف بین طرح‌ها و نیازهای این ساکنان را مرتفع ساخته و از طرف دیگر با بکارگیری ظرفیت‌های اجتماعی، اقتصادی آنها، بار هزینه‌های سنگین بهسازی این سکونت‌گاه‌ها را بین دولت و مردم تقسیم نماید.

در ایران نیز پس از تجربه شدن رویکردهای متعدد، از آغاز دهه ۱۳۸۰، رویکرد توانمندسازی توسط وزارت مسکن و شهرسازی مورد توجه قرار گرفت و به دنبال آن تحقیقات متعددی در رابطه با بحث توانمندسازی اسکان غیررسمی انجام پذیرفت. از مهم‌ترین کارهای پژوهشی که به توانمندسازی اسکان غیررسمی پرداخته است می‌توان به مقاله رفیعیان و سیف‌الدینی اشاره کرد که در مقاله خود راهبردهای ساماندهی اسکان‌های غیررسمی شهری و برنامه مداخله در شهر بندرعباس را با دیدی شهرنگر، در سه حوضه

برنامه‌سازی شامل بهسازی و ارتقاء فیزیکی محلات، توانمندسازی اهالی محلات و نهادسازی جهت استمرار و پایداری برنامه‌ها طراحی نموده‌اند (رفعیان و سیفالدینی، ۱۳۸۴: ۵۸-۱۹). جواد بهادری در پایان‌نامه خود به بررسی سطح مشارکت مردم و تأثیر اقدامات توانمندسازی مثل اعطای سند مالکیت در افزایش مشارکت مردمی پرداخته است. نتایج محقق در این تحقیق بیانگر بالا بودن سطح مشارکت مردم شهرک سعدی شیراز و نیز تأثیر بالای نهادسازی و اعطای سند مالکیت در افزایش مشارکت مردم دارد. (بهادری، ۱۳۸۶). همچنین زیاری و نوذری در مقاله خود به دنبال پاسخگویی به این پرسش بوده که آیا از طریق ارتقای مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی، خدماتی، بهداشتی، قانونی، مسکن و زیست‌محیطی می‌توان به توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی پرداخت. نتایج تحقیق بیانگر آن است که ارتقای این مولفه‌ها تأثیر بسزایی در توانمندسازی و ساماندهی این محلات دارد. در این بین، ارتقاء مولفه‌های اجتماعی بیشترین تأثیر را در توانمندسازی و ساماندهی ایفا می‌کند (زیاری و نوذری، ۱۳۸۸). بلاغی اینانلو نیز در پایان‌نامه خود به امکان‌سنجی و بکارگیری استراتژی‌های توانمندسازی در شهر بندرعباس پرداخته است. نتایج این مقاله بیانگر تأثیر قابل توجه مدیریت شهری و قوانین و مقررات ناکارآمد در شکل‌گیری و گسترش سکونت‌گاه‌های غیررسمی بندرعباس است (بلاغی اینانلو، ۱۳۸۴). نجاتی هریس نیز در پایان‌نامه خود سعی در یافتن رابطه بین مولفه‌های سواد، توان مالی خانوار و سن با میزان مشارکت ساکنان در بهسازی محلات غیررسمی شهر تبریز داشته است. نتایج این پژوهش بیانگر این است که مولفه‌های مذکور رابطه معناداری با سطح مشارکت مردم ندارد (نجاتی، ۱۳۸۵).

نقش توانمندسازی اجتماعات محلی در بهسازی کالبدی سکونت‌گاه‌های غیررسمی

سوالی که در این‌جا مطرح می‌شود این است که چه ارتباطی بین توانمندسازی افراد و بهسازی کالبدی سکونت‌گاه‌های غیررسمی وجود دارد؟ پاسخگویی به این سوال را می‌توان با این مقدمه آغاز کرد که شواهد موجود، حاکی از آن است که بدون حضور مردم که بهره‌برداران نهایی‌اند، انجام بسیاری از پروژه‌های بهسازی در بافت‌های فرسوده و

غیررسمی، امکان‌پذیر نیست؛ یا اگر هم امکان‌پذیر باشد موفقیت مطلوب آن مورد تردید است. حضور مردم در قالب مشارکت گسترده، در بهسازی محل سکونت تعریف می‌شود. اما نقش و حضور مردم این سکونت‌گاه‌ها به دو دلیل وجود موانعی چون فقدان توان ذهنی، فرهنگی، مالی و انگیزشی با چالش روبروست (اکبرپور سراسکانرود، ۱۳۸۷: ۲۸). اجتماعات اسکان غیررسمی با نوعی حاشیه‌راندگی اجتماعی رو برو هستند و این گروه‌های به حاشیه رانده شده به دلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی‌شان قادر به طرح مشکلات خود نیستند و لذا مسائل آن‌ها همراه خود آن‌ها به حاشیه رانده می‌شود. مشکلات و مسائل این سکونت‌گاه‌ها زمانی قابل حل است که مدار حاشیه‌راندگی آنان کمرنگ گردد (ربانی و افشارکهن، ۱۳۸۱: ۳). از این‌رو، برای برنامه‌ریزی در سطح اجتماعات محلی اسکان غیررسمی (برنامه‌ریزی مشارکتی)، اجتماعات مزبور نیازمند پشتیبانی در اشکالی چون آموزش، کمک در سازماندهی، کمک‌های مالی و مشاوره‌های مدیریتی هستند (مهندسان مشاور باوند، ۱۳۸۳: ۶۰). رویکرد توانمندسازی با نگاهی ویژه به مسأله حاشیه‌راندگی و مشکلات اقتصادی، اجتماعی مردم ساکن در این سکونت‌گاه‌ها سعی در بالابردن توان اجتماعی - اقتصادی آنها برای بهبود محیط کالبدی‌شان دارد. در این دیدگاه به جای تأکید صرف بر ارتقاء کالبدی این محلات، ارتقاء ظرفیت‌های انسانی و تقویت اجتماعات محلی شهری مدنظر است، باین حال، ارتقاء کالبدی نیز مورد غفلت قرار نمی‌گیرد. اجرای رویکرد توانمندسازی در رابطه با اسکان غیررسمی شهرها، نیازمند ایجاد ارتباط بین دو رکن مدیریت شهری و مردم است. در واقع تمامی تلاش‌ها در این رویکرد، توانمندسازی مردم است، تا آنان با توانمندی خود محیطی مطلوب و شایسته زندگی برای خویش برپا سازند (شهیدی، ۱۳۸۴: ۵ و ۶). در اینجا به طور مجزا تأثیر هر یک از حوضه‌های توانمندسازی در افزایش مشارکت مردم در بهسازی محلات، تشریح می‌گردد:

فقر، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جوامع ساکن در سکونت‌گاه‌های غیررسمی است. عمدتاً در خانواده‌های فقیر و محیط اطراف آنها، یکدسته موانع به هم گره می‌خورند و باعث تشدید فقر در جامعه می‌شوند که توانمندسازی در جهت نابودی این چالش است (چمبرز، ۱۹۹۷: ۱۴۴). فقر، قوی‌ترین عامل تعیین‌کننده مشارکت یا عدم مشارکت است. زیرا فقرا در مقابل هزینه‌های زندگی دچار مشکلات عدیده شده و هر روز به حاشیه رانده می‌شوند و

نمی‌توانند برای خانواده خود، غذا و امکانات فراهم کنند. از این‌رو، فقر عامل بسیار مهم در میزان مشارکت مردم در امور جامعه است و اگر این عامل (فقر) در جامعه زوده نشود، مشارکت معنی نخواهد داشت. از طرفی، ناتوانی فقیران در پرداخت هزینه‌های زندگی به خاطر فقر، به انزوا و حاشیه‌ای شدن افراد منجر می‌شود (چمبرز، ۱۹۹۷: ۱۴۵). با توجه به اهمیت مشارکت در طرح‌های توانمندسازی و بهسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی، رویکرد توانمندسازی سعی دارد با اقداماتی از قبیل افزایش مهارت‌های شغلی، افزایش دسترسی فقرا به اعتبارات مالی، رفع نابرابری‌های بازار کار، ایجاد اشتغال و... فقر اقتصادی را تضعیف کرده و با توانمندسازی افراد در این زمینه، شرایط را برای مشارکت آنها در عرصه‌های جمعی و از جمله عرصه بهسازی محل سکونت، فراهم نماید.

مهارت‌های اجتماعی و تجارب شخصی یکی از مولفه‌های مهم برای ایجاد فضای مناسب ارتباط جمعی و مشارکتی است مهارت‌های اجتماعی، مجموعه‌ای از رفتارها، نگرش‌ها، عقاید و ابزارهای عاطفی، هیجانی و شناختی است که این عوامل، روابط متقابل و سازنده‌ای بین افراد را به وجود می‌آورد. وجود مهارت‌های اجتماعی مناسب باعث ایجاد فرصت بهتر شغلی، بهره‌وری مفید و مناسب برای خود و خانواده، گستره مناسبی از ارتباطات و اعتمادبه‌نفس بالا در افراد خواهد شد. در شرایط نبود این مهارت‌ها، فرصت‌های مناسب از دست رفته و بهره‌وری فرد کاهش پیدا می‌کند، گستره نامناسبی از روابط اجتماعی به وجود می‌آید و فرد دارای اعتمادبه‌نفس پایین و احساس حقارت خواهد بود (عبدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۹). با توجه به اهمیت مهارت‌های فردی و اجتماعی، یکی از مهم‌ترین اقدامات در توانمندسازی اجتماعات فقیر، گسترش امکانات در زمینه آموزش‌های پایه عمومی، تخصصی و حرفه‌ای است که به صورت رایگان یا ارزان در اختیار آنان باشد (صرامی، ۱۳۸۳: ۲۱). از این رو می‌توان ادعان داشت که توانمندسازی که تأکید خاصی بر گسترش مهارت‌های فردی و اجتماعی دارد، با تقویت این مهارت‌ها و توانمند کردن مردم در زمینه‌های اجتماعی، موجب گسترش مشارکت آنان در ابعاد مختلف از جمله بهسازی محل سکونت‌شان می‌شود.

وجود برخی سازمان‌ها و انجمن‌های تعریف شده در مقیاس محله و تبیین جایگاه درست هر یک از آنها نسبت به سازمان‌های دولتی، مشارکت و حضور مردم را در عرصه‌های

عمومی تسهیل می‌سازد و در از میان برداشتن موانع این مسیر، بسیار کارآمد است چرا که این نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در روابط اجتماعی می‌شوند. مشارکت واقعی و مؤثر مردم در اداره محل سکونت‌شان در سایه وجود و حضور جدی گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های جامعه محلی میسر می‌شود. سازمان‌هایی که شهروندان را نسبت به حقوق، وظایف و تعهداتشان نسبت به محل سکونت و نسبت به توانایی آنان در کنترل و اداره محیط اطرافشان، آگاه سازند و نیز به عنوان واسطه و میانجی، برای آنان حمایت‌های مالی، فنی و مشاوره‌ای فراهم نمایند (روستا و حسینی، ۱۳۸۹: ۴۱).

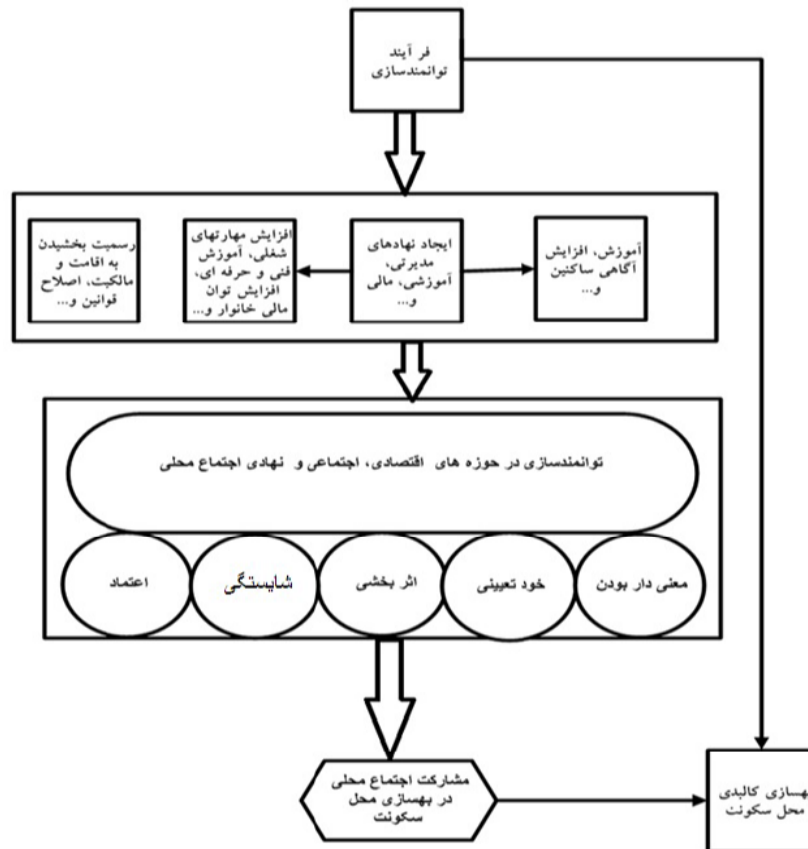
به طور خلاصه، توانمندسازی به دنبال آن است که موانع ذهنی، مالی، اجتماعی و نهادی ساکنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی را از طریق آموزش، ایجاد انگیزش، افزایش امکان دسترسی به منابع مالی، اشتغال‌زایی، افزایش توان مالی خانوارها، ایجاد امنیت اقامت برطرف سازد و با این اقدامات موجب توانمندسازی ساکنان در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و نهادی گردد. افراد در هر زمینه‌ای چه اقتصادی، چه اجتماعی و چه نهادی، وقتی توانمند می‌شوند که در مولفه‌های زیر به سطح مناسبی برسند:

۱- معنادار بودن که به معنی ارتباط اهداف و وظایف کاری با ایده‌ها و استانداردهای فرد می‌باشد. افراد وقتی توانمند می‌شوند، فعالیت را در نظام ارزشی خود مهم تلقی می‌کنند؛ درباره آن چه انجام می‌دهند، دقت می‌کنند و بدان اعتقاد دارند. فعالیت‌هایی که دارای چاشنی معنی‌داری است؛ نوعی احساس هدفمند بودن و ماموریت برای افراد ایجاد می‌کند (حسن‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۸).

۲- احساس شایستگی که به اعتقاد فرد به توانایی‌هایش برای انجام با مهارت فعالیت‌هایش اطلاق می‌شود وقتی افراد توانمند می‌شوند؛ احساس می‌کنند قابلیت و تبحر لازم برای انجام موفقیت‌آمیز یک کار را دارند (حیدری ساربان، ۱۳۸۸: ۳۹).

۳- حق تعیین سرنوشت (خودتعیینی) که احساس استقلال افراد یا جوامع محلی را برای شروع و تداوم فرآیند و تداوم فرآیندهای کاری و تصمیم‌سازی نشان می‌دهد.

۴- احساس تأثیر که افراد و جوامع محلی احساس لازم در خصوص تأثیرگذاری خود بر محیط، جریان‌ات و غیره را در فرآیند زمانی به دست می‌آورند (رفعیان، ۱۳۸۲: ۱۱).



شکل (۱) مدل تحلیلی نقش توانمندسازی اجتماعات محلی در بهسازی کالبدی محل سکونت

۵- اعتماد: به روابط بین فرودستان و فرادستان اشاره دارد. افراد و اجتماعات محلی توانمند مطمئن‌اند که با آنان منصفانه برخورد می‌شود. معمولاً معنی این احساس آن است که آنان اطمینان دارند که صاحبان قدرت به آنان آسیب یا زیان نخواهند زد و با آنان بی‌طرفانه رفتار خواهد شد (عبداللهی و حیدری، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

هنگامی که افراد در این مؤلفه‌ها به شرایط مطلوبی برسند توانمند می‌شوند و در بهسازی محله خود مشارکت فعالی می‌کنند.

مواد و روش‌ها

رویکرد کلی تحقیق حاضر، توصیفی - تحلیلی است. شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات، کتابخانه‌ای و میدانی است. برای تدوین بخش مبانی نظری از مقالات و تحقیقات صورت گرفته و برای معرفی محدوده مورد مطالعه از آمار و اسناد موجود (آمارهای موجود در طرح تفصیلی و جامع شهر، آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن و...) استفاده شده و برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به بخش مطالعه میدانی پرسشنامه طراحی شده است. محدوده‌ی جغرافیایی پژوهش، «محلات واقع در قسمت شرقی کال عیدگاه سبزوار» و جامعه آماری، خانوارهای ساکن در این محلات می‌باشد که حدود ۳۵۳۴ خانوار را شامل می‌شود. سطح تحلیل، سرپرست خانوار می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از رابطه کوکران ۱۵۰ خانوار به دست آمده است و روش نمونه‌گیری، تصادفی ساده می‌باشد. در تحقیق حاضر، با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آمار استنباطی، به تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود؛ بدین‌سان که ابتدا با استفاده از آزمون t تک‌نمونه‌ای، سطح توانمندی ساکنان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و نهادی و سپس با استفاده از همبستگی پیرسون میزان همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق مورد سنجش قرار می‌گیرد. در نهایت با استفاده از آزمون رگرسیون خطی، میزان ارتباط خطی بین متغیرهای مستقل و وابسته سنجش می‌شود و مشخص می‌گردد که در بین سه متغیر مستقل کدام یک بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته تحقیق می‌گذارد.

در تحقیق حاضر سه متغیر مستقل و یک متغیر وابسته مورد بحث قرار می‌گیرد. تمایل به مشارکت در امور بهسازی محله به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است که برای سنجش آن، میزان تمایل ساکنان برای مشارکت در ارتقاء ۱۷ شاخص کالبدی - فیزیکی (مثل آسفالت معابر، سنگفرش کردن پیاده‌روها، ایجاد جداول، بهبود سیستم فاضلاب محله، ساماندهی مسیل مجاور، زیباسازی محله، گسترش فضای سبز، تعریض معابر، جمع‌آوری

زباله، بهبود سیستم روشنایی و...) مورد توجه قرار گرفته است. متغیرهای مستقل نیز توانمندسازی اقتصادی، توانمندسازی اجتماعی و توانمندسازی نهادی؛ می‌باشد.

منظور از توانمندی اجتماعی در این تحقیق این است که فرد تا چه حد از توانایی‌ها، مهارت‌ها، توان تامین مالی خانوار، داشتن قدرت مسأله‌یابی و حل مشکلات اقتصادی و... در امور اقتصادی خود بهره‌مند است. در توانمندی اجتماعی بیشتر میزان اعتماد اجتماعی فرد، اعتقاد به توانایی‌های خود در حل مشکلات دیگران، احساس مؤثر بودن در اجتماع، میزان انگیزه و ارزش قائل شدن برای فعالیت‌های جمعی و اجتماعی و... مدنظر است.

در توانمندی نهادی با توجه به سابقه کم یا عدم سابقه اکثر افراد در نهادهای محلی بیشتر ذهنیت ساکنان نسبت به این نهادها سنجیده می‌شود. در این زمینه اعتماد ساکنان نسبت به موثر بودن این نهادها در حل مشکلات محله و افراد، تمایل ساکنان برای همکاری با این نهادها، اعتقاد افراد در مورد موثر بودن و نقش فعال داشتن در این نهادها و... مورد سنجش واقع می‌شود.

در این تحقیق هر یک از ابعاد توانمندی اقتصادی، اجتماعی و نهادی، با استفاده از مولفه‌های معنی‌داری، احساس شایستگی، حق تعیین سرنوشت (خودتعیینی)، احساس تأثیر و اعتماد مورد بررسی قرار می‌گیرد. معنی‌داری با شاخص‌های مسئولیت‌پذیری، با اهمیت بودن کار، تفویض اختیار و تشنه یادگیری بودن، خود تعینی با شاخص‌های خودمختاری، خودآغازگر بودن، عدم هدایت کار از بیرون و داوطلبانه به کاری پرداختن، شایستگی با شاخص‌های خلاقیت، مصمم در انجام کارها، ریسک‌پذیری، خوداتکایی و قدرت مسأله‌یابی و مشکل‌گشایی، تأثیر با شاخص‌های پذیرش رهبری، ابتکار عمل، تمرکز نتایج، انگیزش درونی و اثربخشی و بالاخره اعتماد با شاخص‌های پذیرش اجتماعی، میزان تفاهم جمعی، داشتن نگرش مثبت و صداقت و روراستی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

معرفی محدوده مطالعاتی

شهر سبزوار به عنوان مرکز شهرستان سبزوار در فاصله ۲۴۰ کیلومتری غرب شهر مشهد واقع شده است. این شهر بعد از مشهد دومین شهر بزرگ استان خراسان رضوی محسوب

می‌شود و مانند بسیاری از شهرهای دیگر ایران زمین با پدیده اسکان غیررسمی روبروست. هجوم مهاجرین روستایی در سال‌های اولیه انقلاب و سکنی گزیدن آنها در اراضی حاشیه‌ای شهر، باعث نطفه بستن بافت شبه حاشیه‌نشین گردید. در دهه ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ این بافت‌های حاشیه‌نشین تحت تأثیر مهاجرت شدید جمعیت روستاهای شهرستان و سکونت در اراضی ارزان‌قیمت حاشیه شهر بوجود آمد. واگذاری زمین ارزان قیمت به ساکنان کم درآمد شهر و فروش مجدد قطعاتی از این زمین‌ها به مهاجران تازه وارد روستایی، روند شکل‌گیری این مناطق حاشیه‌نشین را تسریع نمود. این ساخت و سازها که عمدتاً خارج از ضوابط و استانداردهای شهرسازی بوده؛ ابتدا در محدوده قانونی صورت می‌گرفت ولی در سال‌های اخیر به مناطق غیرمجاز خارج از محدوده قانونی نیز رسوخ کرده است (زنگنه، ۱۳۸۱: ۱۷۷-۱۷۴). به طوری که در حال حاضر در شهر سبزوار، ۵ نقطه به عنوان مناطق حاشیه‌نشین با وسعتی در حدود ۳۳۱ هکتار شناسایی شده است؛ که عبارتند از: محدوده نیروگاه در قسمت غرب شهر، محدوده کلاته سیفر در قسمت جنوب‌غرب، صالح آباد کوچک در قسمت جنوب‌شرق، محدوده قلعه نو دهراز در حاشیه غربی، و بالاخره محدوده شرق کال عیدگاه در بخش شرقی شهر (گفتی، ۱۳۸۷: ۱۵۵). مناطق حاشیه‌نشین شهر سبزوار هم دارای منشاء روستایی بوده و هم شهری. محدوده صالح‌آباد و کلاته سیفر دارای منشاء روستایی و محدوده شرق کال عیدگاه و غرب نیروگاه و قلعه‌نو دهراز از مناطق شهری محسوب می‌شوند (رهنما، توانگر، ۱۳۸۷: ۱۰۲).

در بین این ۵ کانون، محدوده شرق کال عیدگاه با وسعتی حدود ۱۵۹/۹ هکتار و جمعیتی در حدود ۱۴۱۶۰ نفر (۳۵۳۴ خانوار) در شرق شهر سبزوار و در داخل محدوده طرح تفصیلی واقع شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). این سکونت‌گاه در قسمت شرقی مسیلی به نام کال عیدگاه واقع شده و در شهر سبزوار با همین نام شناخته می‌شود. محدوده مورد نظر از غرب به خیابان چهل متری دوم، از شمال به بلوار دکتر علی شریعتی و از جنوب به خیابان ۲۲ بهمن و جاده دلقند متصل است. با توجه به جمعیت و وسعت محدوده شرق کال عیدگاه، تراکم آن حدود ۸۸/۵ نفر در هکتار می‌باشد. روند شکل‌گیری این محدوده به اوایل دهه ۷۰ برمی‌گردد. بیشتر ساکنان این منطقه، مهاجرین روستایی هستند که عمدتاً از

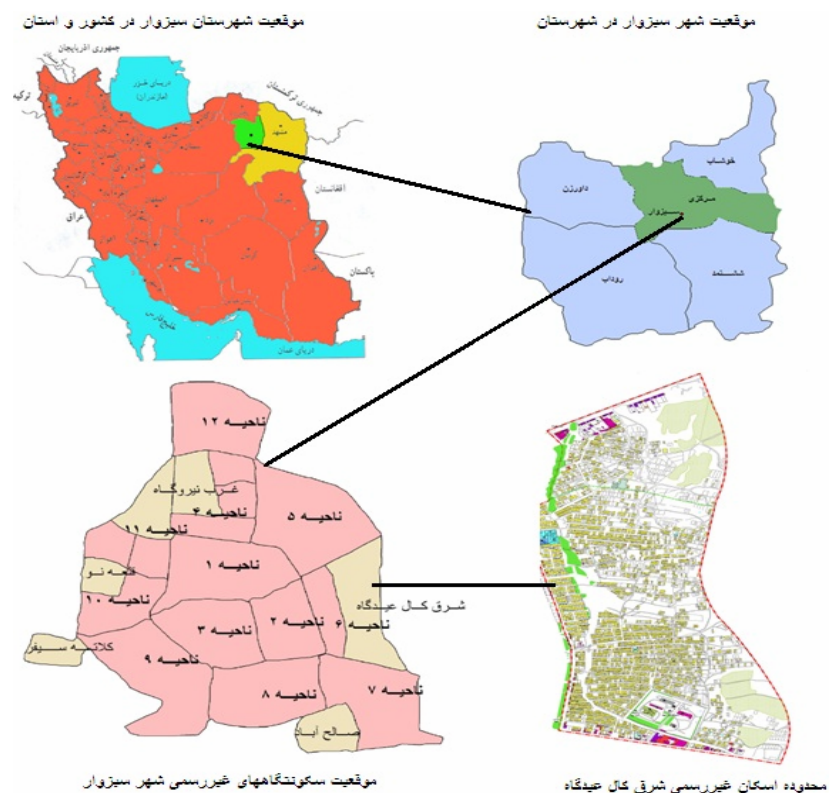
روستاهاى واقع در قسمت شرقى شهر سبزوار يعنى روستاهائى مثل ايزى، كيخسرو، شامكان، باعجر، عليک و... به اين محدوده وارد شده‌اند.

- خصوصيات اجتماعى - جمعيتى: از مهم‌ترين ويژگي‌هاى جمعيتى قابل اشاره در اين محله بعد خانوار است که حدود ۳/۹۸ مى‌باشد. در حالى که بعد خانوار در سطح شهر سبزوار ۳/۷۶ است. همچنين نرخ باسوادى در محدوده مذکور ۸۹/۸ درصد مى‌باشد (مرکز آمار ايران، ۱۳۸۵). که در مقايسه با نرخ باسوادى شهرهاى کشور، استان، شهرستان و شهر سبزوار، که به ترتيب ۸۸/۹۳، ۸۸/۹۰، ۰۷/۳۸ و ۸۸/۶۱ است (مهندسين مشاور پردازاز، ۱۳۸۸) نرخ بالاترى را نشان مى‌دهد. اين ارقام نشان‌دهنده وضعيت بالنسبه مناسب اين محله از نظر عامل سواد و تحصيلات است.

- خصوصيات اقتصادى: از مهم‌ترين خصوصيات اقتصادى که مى‌توان اشاره نمود، نرخ اشتغال و بار تکفل واقعى است. نرخ اشتغال در اين محدوده ۹۱/۸۵ درصد (مرکز آمار ايران، ۱۳۸۵) است که نسبت به سطح شهر که ۹۰/۵ است (مرکز آمار ايران، ۱۳۸۵)، بالاتر مى‌باشد. همچنين بار تکفل واقعى که عبارت است از تفاضل کل جمعيت و تعداد جمعيت شاغل، تقسيم بر جمعيت شاغل (زيارى، ۱۳۸۵: ۱۵۵). در اين محله ۲/۴ است، يعنى هر نفر شاغل بايد هزينه زندگى ۲/۴ نفر را تأمين نمايد. اين شاخص در سطح شهر حدود ۲/۳ است. مقايسه اين شاخص در محدوده مورد نظر با سطح شهر نشان‌دهنده وضعيت نامناسب اين محدوده از نظر شاخص فوق‌الذکر است.

- خصوصيات کالبدى - محيطى: نماى کلى محله با شيب نامناسب در برخى معابر، پوشش نامناسب بسيارى از معابر، جريان فاضلاب درون کوچه و خيابان، وجود مسيل موسوم به کال عيدگاه که به دليل جريان فاضلاب درون آن چهره‌اى غيربهداشتى به محدوده داده است؛ شناخته مى‌شود. از نظر وضعيت کاربرى اراضى، فقدان کاربرى‌هاى ورزشى، فرهنگى و بهداشتى و کمبود در تمام کاربرى‌هاى از مسكونى گرفته تا آموزشى و درمانى و...؛ از اين محدوده چهره‌اى محروم ساخته است (وزارت مسکن و شهرسازى، ۱۳۸۲ و مهندسين مشاور پردازاز، ۱۳۸۸).

در محدوده شرق کال عیدگاه، تراکم نفر در واحد مسکونی حدود ۴/۰۲ نفر می‌باشد. مقایسه این رقم با شهر سبزوار (۴/۰۱) نشان‌دهنده وضعیت نامناسب‌تر محدوده شرق کال عیدگاه، نسبت به مقیاس‌های فوق‌الذکر است (مهندسین مشاور پردازاز، ۱۳۸۸). کیفیت ساختمان‌های این محدوده، در شرایط نسبتاً خوبی است؛ به طوری که از ۲۹۲۲ پلاک، ۸۳/۹ درصد قابل نگهداری، ۱۴/۶ درصد مرمتی و فقط ۱/۴ درصد تخریبی است (مهندسین مشاور هفت شهرآریا، ۱۳۸۹: ۲۲). در حالی که کل شهر سبزوار با داشتن ۵/۱۳ درصد بنای تخریبی و ۱/۰۵ درصد بنای مخروبه (مهندسین مشاور پردازاز، ۱۳۸۸)، وضعیت نامناسب‌تری از نظر شاخص کیفیت بنا دارد.



شکل (۲) موقعیت محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها

در این بخش از تحقیق، به نتایج حاصل از آزمون و فرضیه‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

رابطه بین توانمندی اقتصادی و تمایل به مشارکت ساکنان شرق کال عیدگاه

در راستای پاسخگویی به این فرضیه ابتدا ارتباط هر یک از مولفه‌های توانمندی اقتصادی و سپس ارتباط کلی بین توانمندی اقتصادی با متغیر تمایل به مشارکت از طریق همبستگی پیرسون مورد آزمون قرار گرفت. بر طبق جدول شماره (۱) می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ضریب همبستگی بین دو متغیر معنی‌داری و سطح مشارکت $0/093$ می‌باشد که در سطح معناداری بزرگ‌تر از آلفا $0/05$ نشان‌دهنده فقدان ارتباط معنادار بین این دو متغیر است. به طوری که بین داشتن ویژگی‌های ارزشمند بودن فعالیت اقتصادی، مسئولیت‌پذیر بودن، تشنه یادگیری بودن با سطح مشارکت افراد ارتباط معناداری وجود ندارد.

- ضریب همبستگی پایین $0/039$ و سطح معنی‌داری بیشتر از آلفا $0/05$ منعکس‌کننده نبود ارتباط معنادار بین دو متغیر تأثیر اقتصادی و سطح مشارکت است. یعنی داشتن یا نداشتن این احساس که افراد خود را تأثیرگذار و دارای ابتکار عمل در فعالیتهای اقتصادی بدانند، تأثیر چشمگیری بر مشارکت آنان برای بهسازی محل زندگی‌شان ندارد.

- ضریب همبستگی بین مولفه خودتعیینی و سطح مشارکت ساکنان شرق کال عیدگاه ضریب $0/163$ می‌باشد که به دلیل قرار گرفتن در سطح معناداری کمتر از آلفا $0/05$ مبین رابطه معنادار بین این دو متغیر است. نوع ارتباط نیز مستقیم ناقص است یعنی افرادی که احساس خودتعیینی و استقلال در امور اقتصادی خود دارند و احساس قدرت تأمین نیازهای اقتصادی خانوار به صورت کامل را دارا هستند، انگیزه بیشتری برای مشارکت در بهسازی محله خویش دارند (جدول شماره ۱).

- ضریب همبستگی بین مولفه شایستگی و تمایل به مشارکت در بهسازی محلات، $0/282$ است به گونه‌ای که با احتمال ۹۵ درصد می‌توان گفت، ارتباط بین این دو متغیر، ارتباطی معنی‌دار و نوع رابطه نیز مستقیم ناقص است؛ یعنی عمدتاً افرادی که مهارت لازم و

کافی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی خویش دارند؛ دارای توان بالایی در حل مشکلات اقتصادی خود هستند و قائل به ریسک‌پذیری برای بهبود اقتصادی خویش می‌باشند؛ بیشتر حاضرند برای بهبود کالبدی محدوده زندگی‌شان مشارکت فعال داشته باشند.

- ضریب همبستگی میان مولفه اعتماد و مشارکت در بهسازی ۰/۲۱۳ و میزان معنی‌داری نیز کمتر از آلفا ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد بین مولفه اعتماد در امور اقتصادی ساکنان محدوده مورد مطالعه و مشارکت آنان در بهسازی رابطه‌ای معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی نیز مستقیم و ناقص محاسبه و برآورد شده است. بر این اساس، افرادی که به وجود صداقت، منصفانه و عادلانه بودن روابط در امور و فعالیت‌های اقتصادی معتقدند؛ بیشتر برای همکاری در امور بهسازی محله خود راغب هستند و بالعکس افرادی که از نظر این خصوصیات در سطح پایین‌تری واقع شده‌اند کمتر تمایل به مشارکت دارند.

جدول (۱) ضریب همبستگی بین مولفه‌های توانمندسازی اقتصادی و سطح مشارکت در بهسازی

متغیر وابسته: تمایل به مشارکت در بهسازی کالبدی محله		متغیر مستقل: مولفه‌های توانمندی اقتصادی
سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۱۲۹	۰/۰۹۳	معنی‌داری
۰/۰۲۳	۰/۱۶۳ (*)	خود تعینی
۰/۰۰۰	**۰/۲۸۰	شایستگی
۰/۳۱۷	۰/۰۳۹	تأثیر
۰/۰۰۴	**۰/۲۱۳	اعتماد

پس از بررسی میزان ارتباط بین تک تک مولفه‌های توانمندی اقتصادی با میزان تمایل به مشارکت در بهسازی، جهت آزمون فرضیه و رسیدن به این نتیجه که توانمندی اقتصادی ساکنان در میزان تمایل‌شان برای مشارکت مؤثر است یا خیر؟ این مولفه‌های ۵ گانه، با هم ترکیب شده و یک متغیر با عنوان توانمندی اقتصادی حاصل گردید.

طبق جدول (۲) نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون ضریب همبستگی ۰/۲۰۰ و سطح معنی‌داری کوچک‌تر از آلفا ۰/۰۵ را نشان می‌دهد. بر این اساس، می‌توان گفت که

رابطه معنادار بین توانمندسازی اقتصادی ساکنان و تمایل آنان برای مشارکت در بهسازی محله است. از آن جا که ضریب همبستگی عددی مثبت و کمتر از ۱ است؛ نوع رابطه، مستقیم ناقص است به طوری که با افزایش سطح توانمندی‌های اقتصادی ساکنان، میزان تمایل به مشارکت آنان در امر بهسازی نیز افزایش می‌یابد.

جدول (۲) ضریب همبستگی بین توانمندسازی اقتصادی و سطح مشارکت در بهسازی

متغیر وابسته: تمایل به مشارکت در بهسازی		
سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیر مستقل: توانمندی اقتصادی ساکنان
۰/۰۰۷	*۰/۲۰۰	

ارتباط بین توانمندی اجتماعی و تمایل ساکنان شرق کال عیدگاه برای مشارکت در بهسازی

بر مبنای جدول (۳)، در بین مولفه‌های توانمندسازی اجتماعی، فقط دو مولفه شایستگی و تأثیر با متغیر مشارکت، ارتباط معناداری دارند و ۴ مولفه دیگر فاقد ارتباط معنادارند. بر این اساس می‌توان گفت افرادی که دارای اعتماد بالا نسبت به توانایی‌ها و شایستگی‌های خود در روابط اجتماعی هستند و خود را فردی موثر در این روابط می‌دانند، تمایل بالاتری برای مشارکت در بهسازی کالبدی دارند.

جدول (۳) ضریب همبستگی بین مولفه‌های توانمندسازی اجتماعی و سطح مشارکت در بهسازی

متغیر وابسته: تمایل به مشارکت در بهسازی کالبدی محله		متغیر مستقل: مولفه‌های توانمندی اجتماعی
سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۲۷۷	۰/۰۸۹	معنی‌داری
۰/۱۸۰	۰/۱۱۰	خودتعیینی
۰/۰۷۰	*۰/۱۴۹	شایستگی
۰/۰۱۲	*۰/۲۰۴	تأثیر
۰/۳۸۲	۰/۰۷۲	اعتماد

اما در مجموع طبق جدول (۴) ضریب همبستگی بین متغیر توانمندسازی اجتماعی و مشارکت ۰/۱۷۱ و در سطح معناداری آلفا کمتر از ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار بین متغیرهای مستقل و وابسته این فرضیه است. نوع رابطه نیز مستقیم ناقص است. به گونه‌ای که می‌توان اظهار داشت با افزایش توانمندی‌های اجتماعی ساکنان، سطح تمایل به مشارکت افراد در بهسازی محل سکونت‌شان نیز بالا می‌رود و در صورت کاهش این توانمندی‌ها، سطح مشارکت نیز کاهش می‌یابد.

جدول (۴) ضریب همبستگی بین توانمندسازی اقتصادی و سطح مشارکت در بهسازی

متغیر وابسته: تمایل به مشارکت مشارکت در بهسازی		
متغیر مستقل: توانمندی اجتماعی ساکنان	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
	**۰/۱۷۱	۰/۰۳۶

ارتباط بین توانمندی نهادی ساکنان محدوده کال عیدگاه و تمایل آنان جهت مشارکت در بهسازی

همانطور که جدول (۵) نشان می‌دهد در محدوده شرق کال عیدگاه، بین مولفه‌های توانمندسازی اقتصادی، فقط مولفه معنی‌داری فاقد ارتباط معنادار با متغیر وابسته است و بقیه دارای ارتباط معنادار با متغیر مستقل هستند. به طوری که:

- میزان همبستگی بین متغیر خودتعیینی در زمینه نهادی و مشارکت در بهسازی ۰/۲۱۳ و سطح معنی‌داری کمتر از آلفا ۰/۰۵ می‌باشد که نشان از وجود رابطه معنادار بین این دو متغیر دارد. بدین ترتیب می‌توان گفت کسانی بیشتر در امور بهسازی محله مشارکت می‌کنند که حاضر به فعالیت داوطلبانه در نهادهای محلی بوده و این ذهنیت را داشته باشند که در صورت مشارکت در نهادهای محلی نقش تعیین‌کننده‌ای در فعالیت‌ها و اهداف نهاد خواهند داشت.

- ضریب همبستگی ۰/۲۰۱ و سطح معناداری کمتر از آلفا ۰/۰۵ مویدا این ادعاست که همبستگی بین مولفه احساس تأثیر در امور نهادی و میزان تمایل در بهسازی کالبدی - محیطی محدوده مورد مطالعه در حد بالایی است. با توجه به اینکه ضریب همبستگی عددی

مثبت است جهت رابطه نیز مستقیم ناقص است به طوری که آن دسته از ساکنانی که احساس می‌کنند بیشتر می‌توانند در نهادها تأثیرگذار باشند و انگیزه زیادی برای حضور و فعالیت در نهادها دارند و در کنار این ویژگی‌ها، خود را دارای توان لازم برای قبول نقش سرپرستی و رهبری در نهادهای محلی می‌دانند، بیشتر حاضر به مشارکت در امور بهسازی محله خویش هستند. و بالعکس افرادی که در این خصوصیات ضعیف‌ترند کمتر حاضرند برای بهبود وضعیت کالبدی و محیطی محله مشارکت نمایند.

- ضریب همبستگی $0/208$ در سطح معنی‌داری کمتر از $0/005$ نیز نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین وجود احساس شایستگی در فعالیت‌های مربوط به نهادها و میزان تمایل به مشارکت در بهسازی محله وجود دارد. نوع رابطه، نیز مستقیم ناقص است به گونه‌ای که افرادی که خود را دارای توان و ویژگی‌های لازم برای فعالیت در نهادهای محلی می‌دانند بیشتر حاضرند در بهسازی محله خود با دیگران همکاری داشته باشند و برعکس این قضیه نیز صادق است.

- و بالاخره آزمون همبستگی پیرسون به سبب ضریب همبستگی بالا ($0/14$) در سطح معنی‌داری کمتر از $0/05$ نشان‌دهنده رابطه معنادار بین دو مولفه اعتماد در امور نهادی و میزان تمایل به مشارکت در بهسازی می‌باشد. معنای این عبارت آن است که افرادی بیشتر حاضرند در بهسازی محله خویش دخالت فعال داشته باشند که بیشتر به سازوکارهای موجود در نهادهای محله‌ای و مردمی اعتماد داشته باشند.

جدول (۵) ضریب همبستگی بین مولفه‌های توانمندسازی نهادی و سطح مشارکت در بهسازی

متغیر وابسته: تمایل به مشارکت در بهسازی کالبدی محله		متغیر مستقل: مولفه‌های توانمندی نهادی
سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	نهادی
$0/122$	$0/96$	معنی‌داری
$0/004$	$**0/213$	خودتعیینی
$0/005$	$**0/208$	شایستگی
$0/007$	$**0/201$	تأثیر
$0/043$	$*0/140$	اعتماد

پس از بررسی میزان رابطه تک تک مولفه‌های توانمندی نهادی با متغیر وابسته، جهت رسیدن به نتیجه نهایی، این مولفه‌های ۵ گانه ترکیب و تحت عنوان توانمندی نهادی، مورد آزمون قرار گرفت.

طبق جدول (۶) میزان ضریب همبستگی بین توانمندی نهادی ساکنان و میزان تمایل به مشارکت در بهسازی محل سکونت، $0/210$ و در سطح معناداری آلفا کوچک‌تر از $0/05$ است که نشان‌دهنده وجود همبستگی و رابطه معنادار و مثبت بین دو متغیر سطح توانمندی نهادی و میزان مشارکت ساکنان محدوده شرق کال عیدگاه سبزوار در جهت بهسازی کالبدی محل سکونت خویش است. به دلیل نوع رابطه که مثبت و مستقیم است می‌توان گفت که با افزایش سطح توانمندی‌های نهادی ساکنان، میزان تمایل به مشارکت‌شان نیز افزایش می‌یابد.

جدول (۶) ضریب همبستگی بین توانمندسازی نهادی و سطح مشارکت در بهسازی

متغیر وابسته: تمایل به مشارکت در بهسازی		
سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیر مستقل: توانمندی نهادی ساکنان
$0/05$	$**0/210$	

در مجموع، با توجه به رابطه معنادار بین سه متغیر مستقل (توانمندی اقتصادی، اجتماعی و نهادی) می‌توان فرضیه مطرح شده در تحقیق حاضر را قابل قبول دانست.

۳-۲-۱- میزان ارتباط بین متغیرها بر اساس آزمون رگرسیون خطی

همانطور که ملاحظه گردید؛ با تکیه بر نتایج منتج از آزمون پیرسون می‌توان وجود رابطه معنادار بین سه متغیر مستقل و متغیر وابسته تحقیق را معنادار و فرضیه مورد نظر را تأیید نمود. برای تعیین میزان ارتباط و میزان تأثیر متغیر مستقل بر متغیرهای وابسته تحقیق، می‌توان از رگرسیون خطی نیز بهره برد. طبق جدول (۷)، در رابطه بین توانمندی اقتصادی و میزان تمایل به مشارکت میزان ضریب تعیین نشان می‌دهد که توانمندی اقتصادی ۴ درصد در میزان تمایل ساکنان شرق کال عیدگاه مؤثر می‌باشد. مثبت بودن Beta نیز نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم و مثبت بین این دو متغیر است. سطح معناداری نیز کمتر از $0/05$

می‌باشد که مبین وجود تأثیر معنادار متغیر مستقل در متغیر وابسته است. معادله رگرسیون این دو متغیر را می‌توان این گونه نوشت:

$$Y=a+bx$$

$$Y=55/93+0/17(x)$$

بر اساس این رابطه، میزان تمایل ساکنان برای مشارکت در بهسازی کالبدی وابسته به میزان توانمندی اقتصادی آنان است. به طوری که با افزایش یک واحدی توانمندی اقتصادی به عنوان متغیر مستقل (X) میزان تمایل ساکنان برای مشارکت در بهسازی ۰/۱۷ واحد ارتقاء می‌یابد.

در مورد تأثیر توانمندی اجتماعی ساکنان بر سطح تمایل به مشارکت آنها، رگرسیون خطی نشان می‌دهد که توانمندی‌های اجتماعی ساکنان ۲/۹ درصد درمیزان تمایل به مشارکت جهت بهسازی محله مؤثر است که رقم زیاد بالایی به نظر نمی‌رسد اما با توجه به اینکه رابطه بین این دو متغیر در سطح معناداری ۰/۰۵ قرار دارد می‌توان گفت تأثیر توانمندی اجتماعی ساکنان شرق کال عیدگاه در میزان تمایل آنان به مشارکت در حد معناداری است. میزان Beta نیز مثبت بوده که نشان‌دهنده وجود ارتباط مستقیم و مثبت بین این دو متغیر است. به گونه‌ای که با افزایش توانمندی اجتماعی ساکنان، مشارکت آنان نیز افزایش و بالعکس با کاهش متغیر مستقل متغیر وابسته نیز کاهش می‌یابد. معادله خطی مربوط به این دو متغیر به قرار زیر است:

$$Y=56/33+0/17(x)$$

این معادله بیان می‌دارد که مشارکت ساکنان در بهسازی محدوده شرق کال عیدگاه تابعی است از سطح توانمندی اجتماعی آنان. با هر یک واحد افزایش در میزان توانمندی اجتماعی ساکنان ۰/۱۷ واحد به سطح مشارکت افراد افزوده می‌شود.

جدول (۷) رگرسیون خطی بین توانمندی‌های ساکنان شرق کال عیدگاه و تمایل آنان به مشارکت در بهسازی

Beta	سطح معناداری	ضریب تعیین	R	زمینه توانمندسازی
۰/۲۰۰	(a)۰/۰۱۵	۰/۰۴۰	(a)۰/۲۰۰	توانمندسازی اقتصادی
۰/۱۷۱	(a)۰/۰۳۶	۰/۰۲۹	(a)۰/۱۷۱	توانمندسازی اجتماعی
۰/۲۱۰	(a)۰/۰۱۰	۰/۰۴۴	(a)۰/۲۱۰	توانمندسازی نهادی

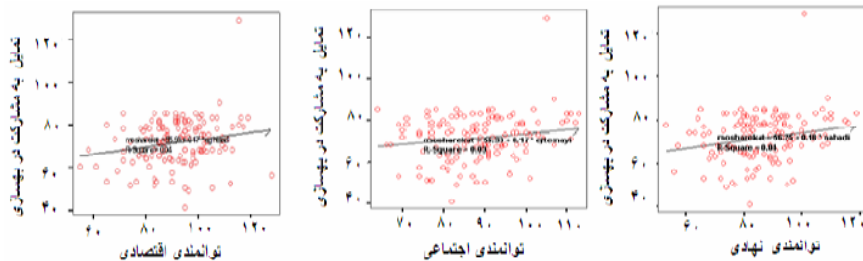
همچنین آزمون رگرسیون خطی نشان می‌دهد که میزان ضریب تعیین ۴/۴ درصد است یعنی توانمندی نهادی ۴/۴ درصد در میزان مشارکت مؤثر است. معادله رگرسیون مربوط به توانمندی نهادی و مشارکت در بهسازی را نیز می‌توان اینگونه مطرح کرد.

$$Y=56/25+0/18(x)$$

بر این اساس می‌توان گفت که متغیر تمایل به مشارکت در بهسازی (y) تابعی است از توانمندی نهادی (x) به طوری که به ازای هر یک واحد افزایش در توانمندی نهادی ۰/۱۸ واحد بر سطح مشارکت افراد افزوده می‌شود.

با توجه به ضریب بتا می‌توان عنوان نمود که از نظر میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، توانمندی نهادی، بیشترین تأثیر را دارد. بعد از این متغیر، توانمندی اقتصادی و سپس اجتماعی تأثیر بیشتری دارند.

در مجموع می‌توان گفت با توانمندسازی ساکنان در ابعاد نهادی، اجتماعی و اقتصادی می‌توان شاهد افزایش مشارکت آنان در عرصه بهسازی کالبدی محله شرق کال عیدگاه بود. لذا توانمندسازی ساکنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی، نقش معناداری بر بهبود کالبدی - محیطی دارد.



شکل (۳) رگرسیون خطی بین توانمندی و تمایل به مشارکت در بهسازی

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر به دنبال شناخت رابطه بین توانمندی‌های محله شرق کال عیدگاه با میزان تمایل آن‌ها برای مشارکت در بهسازی محل زندگی‌شان بود. متغیرهای مستقل شامل سه متغیر توانمندی نهادی، توانمندی اجتماعی و توانمندی اقتصادی است که هر کدام در قالب ۵ مولفه معنی‌داری، خودتعیینی، شایستگی، تأثیر و اعتماد و در چارچوب ۲۵ گویه مورد توجه قرار گرفت. متغیر وابسته نیز تمایل به مشارکت است که در آن تمایل ساکنان در بهسازی ۱۷ شاخص کالبدی سنجش شد و برای تحلیل میزان ارتباط بین این متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که:

۱. در محدوده مورد مطالعه، رابطه معناداری بین توانمندی‌های نهادی ساکنان و تمایل آن‌ها برای مشارکت در بهسازی وجود دارد. ضریب همبستگی بین این دو متغیر $0/210$ و در سطح معناداری کمتر از $0/005$ آلفا است.

۲. ضریب همبستگی بین دو متغیر توانمندی اقتصادی و تمایل به مشارکت در بهسازی $0/200$ و در سطح معنی‌داری آلفا کمتر از $0/05$ می‌باشد که بیانگر وجود رابطه معنادار بین این دو متغیر است.

۳. بالاخره رابطه معناداری بین توانمندی‌های اجتماعی ساکنان و تمایل ساکنان برای مشارکت در بهسازی محدوده مورد مطالعه وجود دارد. ضریب همبستگی $0/171$ در سطح معناداری آلفا کمتر از $0/05$ تأییدکننده این فرضیه است.

آزمون رگرسیون خطی نیز نشان داد که توانمندی‌های اجتماعی ۴ درصد، اقتصادی ۲/۹ درصد و نهادی ۴/۴ درصد بر مشارکت افراد در بهسازی محدوده مورد مطالعه تأثیر دارد. با توجه به این ارقام باید گفت که در درجه اول توانمندسازی نهادی، سپس توانمندسازی اجتماعی و در درجه بعدی توانمندسازی اقتصادی می‌تواند در افزایش مشارکت ساکنان در برنامه‌های بهسازی مؤثر باشد.

در کل، فرضیه مطرح شده در این تحقیق، قابل پذیرش است و در نهایت می‌توان گفت که توانمندسازی اجتماعات محلی می‌تواند در افزایش مشارکت و در نهایت بهسازی کالبدی - محیطی سکونت‌گاه‌های غیررسمی نقش اساسی داشته باشد. در مقایسه نتایج این تحقیق با سایر تحقیقات، برخی شباهت‌ها و تفاوت‌ها را می‌توان مشاهده نمود. نتایج یافته‌های این مقاله با یافته‌های زیاری و نوذری (زیاری و نوذری، ۱۳۸۸، ۳۶-۲۱) سازگاری نشان می‌دهد. وی نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسید که بین مولفه‌های اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و... با شرایط کالبدی - محیطی رابطه معناداری وجود دارد. نقطه تمایز بین این دو تحقیق در متغیرهای مورد بحث است. به طوری که این مقاله، توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی، نهادی که هر کدام مشتمل بر ۵ مؤلفه (معنی‌داری، خودتعیینی، شایستگی، اعتماد و...) است را مورد توجه قرار داده است در حالی که زیاری مولفه‌های اقتصادی، اجتماعی و... مثل سواد، درآمد را به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته است. علاوه بر این، یافته‌های این تحقیق برخی سازگاری‌ها را با نتایج به دست آمده توسط بهادری (۱۳۸۶) دارد. وی نیز در تحقیق خود (نظیر نتایج این مقاله) به این نتیجه می‌رسد که بین انجام اقداماتی چون اعطای سند، آموزش و... (به عنوان اقداماتی که در حوضه‌های توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی، نهادی و حقوقی صورت می‌گیرد) با بهبود کالبدی سکونت‌گاه‌های غیررسمی رابطه معنادار وجود دارد. در عین حال، وجه تمایز بین تحقیق بهادری و تحقیق حاضر در دو مفهوم توانمندسازی و اقدامات توانمندسازی است. در تحقیق حاضر مقصود خود توانمندی است و در تحقیق بهادری بیشتر روی اقدامات توانمندسازی تأکید شده است.

مهم‌ترین پیشنهادهایی که می‌توان در جهت توانمندسازی و در نتیجه افزایش مشارکت ساکنان محدوده مورد مطالعه برای بهسازی محل سکونت‌شان ارائه نمود؛ عبارت است از:

- کمک به تقویت وضعیت اقتصادی خانوارهای ساکن در محدوده از طریق ایجاد کلاس‌های آموزش فنی و حرفه‌ای جهت افزایش مهارت افراد، دادن کمک‌های مالی در جهت اشتغال‌زایی ساکنان، هدایت صندوق‌های خرده‌وام موجود در محدوده به سوی اشتغال‌زایی و بهبود اقتصاد خانوار.

- ایجاد فضای اطمینان بین مردم و شهرداری از طریق دخالت دادن ساکنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محله توسط شهرداری و ارائه برنامه‌های انجام شده و برنامه‌های آتی شهرداری به مردم در جهت شفاف‌سازی و تقویت اعتماد در میان آنها.

- بهبود وضعیت اجتماعی و بالفعل نمودن توانمندی‌های اجتماعی ساکنان از طریق افزایش امنیت اجتماعی در محدوده، استفاده مؤثر از نیروی انسانی مخصوصاً قشر تحصیل کرده و جوان موجود در این محدوده در امور مختلف مربوط به محله (تصمیم‌گیری، اجرا و...)، افزایش سطح آموزشی و آگاهی ساکنان مخصوصاً در زمینه امور فرهنگی و مشارکتی، غنی‌سازی اوقات فراغت، افزایش امکانات آموزشی، فرهنگی و تفریحی در محله.

- کمک به شکل‌گیری و فعالیت نهادهای محلی در این محدوده از طریق کمک اداری و مالی برای شکل‌گیری این نهادها و آموزش جهت افزایش آگاهی ساکنان برای تشکیل و فعالیت این نهادها.

- تقویت نهادهای موجود مثل صندوق‌های خرده‌وام از طریق آموزش افراد فعال در این نهادها در جهت حرکت به سمت توانمندسازی اقتصادی (ایجاد اشتغال و...) و دور شدن از مصرف‌گرایی و کمک مالی برای تقویت بنیه این صندوق‌ها.

منابع

- ۱- احمدیان، م. (۱۳۸۲)، «حاشیه نشینی: ریشه‌ها و راه‌حل‌ها»، *نشریه اندیشه حوضه*، شماره ۴۳ و ۴۴، زمستان، صص ۲۹۶-۲۷۷.
- ۲- اسکندری، ز. (۱۳۸۲)، «صندوق‌های تأمین مالی خرد، نهادی برای توانمندسازی کم درآمدها: نمونه موردی: سلطان‌آباد شهر گلستان»، *مجموعه مقالات سمینار حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی*، دانشگاه علوم بهزیستی، صص ۲۵-۱۷.
- ۳- اکبرپورسراسکانرود، م. (۱۳۸۷)، «ارزیابی مشارکتی بهسازی و نوسازی بافت فرسوده محله سیروس تهران»، *نشریه مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۲۱، بهار، صص ۲۹-۱۴.
- ۴- ایران‌دوست، ک. (۱۳۸۸)، «سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی»، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
- ۵- بلاغی، اینانلو، ر. (۱۳۸۴)، «مکان‌سنجی کاربرد استراتژی‌های توانمندسازی، در جهت بهبود اسکان غیررسمی در شهر بندرعباس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۶- بهادری، ج. (۱۳۸۶)، «دسته‌بندی عملکردی سیاست‌های اجرایی توانمندسازی اسکان غیررسمی و کاربرد عملی آن در شهرک سعدی شیراز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته شهرسازی، دانشگاه شیراز.
- ۷- پیران، پ. (۱۳۶۶)، «شهرنشینی شتابان و ناهمگون مسکن نابهنجار (قسمت دوم)»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۵، دی، صص ۳۳-۳۰.
- ۸- پیران، پ. (۱۳۸۷)، «از اسکان غیررسمی تا اسکان‌نایابی، در جستجوی راه‌حل (بخش نخست)»، *نشریه هفت‌شهر*، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی، تهران.
- ۹- چمبرز، ر. (۱۳۷۶)، «توسعه روستایی؛ اولویت بخشی به فقرا»، ترجمه مصطفی ازکیا، چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۰- حسن‌زاده، م. (۱۳۸۳)، «بررسی تاثیر فرهنگ سازمانی بر توانمندسازی کارکنان در یکی از شرکت‌های فعال در زمینه خودرو»، پایان‌نامه مدیریت دولتی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

- ۱۱- داداش‌پور، ه؛ علیزاده، ب. (۱۳۸۹)، «امنیت تصرف زمین و میزان مشارک ساکنان در طرح‌های بهسازی در محله اسلام‌آباد»، *مجله هویت شهر*، شماره ۷، پاییز و زمستان.
- ۱۲- داداش‌پور، ه؛ علیزاده، ب. و رفیعیان، م. (۱۳۸۹) «رابطه بین امنیت تصرف زمین کیفیت مسکن در سکونگاه غیررسمی اسلام آباد تهران»، *فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، شماره ۷، زمستان.
- ۱۳- داداش‌پور، ه؛ و علیزاده، ب. (۱۳۸۹)، «سکان غیررسمی و امنیت تصرف زمین»، انتشارات آذرخش، تهران.
- ۱۴- دهقان، ن. و فهیمی‌زاده، ح. (۱۳۸۸)، «تشکیل نهاد اجتماعی محله گام نخست در تحقق اهداف توانمندسازی بافت‌های غیررسمی، بسترهای مفهومی در مطالعات اسکان غیررسمی»، *مجموعه مقالات همایش سکونت‌گاه‌های غیررسمی: چالش‌ها و راهبردها*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری، اسفند.
- ۱۵- ربانی، ر. و افشارکهن، ج. (۱۳۸۱)، «حاشیه‌نشینی، مشارکت و مسائل اجتماعی شهری، مطالعه موردی: ارزنان اصفهان»، *نشریه فرهنگ اصفهان*، شماره ۲۴، تابستان، اصفهان، صص ۱۰۱-۹۵.
- ۱۶- رفیعیان، م. و سیف‌الدینی، ف. (۱۳۸۴)، «راهبردهای ساماندهی اسکان‌های غیررسمی شهری و برنامه مداخله در شهر بندرعباس»، *مجله بین‌المللی علوم مهندسی، دانشگاه علم و صنعت ایران*، تهران، جلد ۱۶، بهار، صص ۵۸-۱۹.
- ۱۷- رفیعیان، م. (۱۳۸۲)، «پروژه توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر بندرعباس با دید شهرنگر»، وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان عمران و بهسازی شهری، بانک جهانی، شرکت مهندسیین مشاور ساپ)، تهران.
- ۱۸- افتخاری، ع.؛ پورطاهری، مهدی و حیدری، ساریان (۱۳۸۸)، «نقش توانمندسازی در توسعه کشاورزی، مطالعه موردی: استان اردبیل»، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۶۹، پاییز، صص ۱۰۳-۸۷.
- ۱۹- رهنما، م. و توانگر، م. (۱۳۸۷)، «بررسی تطبیقی حاشیه‌نشینی در شهرهای سبزوار، نیشابور، تربت حیدریه و گناباد»، *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، شماره ۱۱، پاییز، ۱۱۵-۸۳.

- ۲۰- زنگنه، ی. (۱۳۸۱)، «*تحلیلی بر عوامل مؤثر بر توسعه کالبدی شهر سبزوار*»، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۲۱- زیاری، ک. (۱۳۸۵)، «*اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای*»، انتشارات دانشگاه یزد، یزد.
- ۲۲- زیاری، ک، نوذری، آ. (۱۳۸۸)، «*ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیررسمی شهر اهواز (کوی منبع آب)*»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۸، تابستان، صص ۳۶-۲۱.
- ۲۳- ساربان حیدری (۱۳۸۸)، «*نقش توانمندسازی کارکنان جهاد کشاورزی و کشاورزان در توسعه کشاورزی*»، مطالعه موردی، استان اردبیل»، پایان‌نامه دکتری، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، تربیت مدرس.
- ۲۴- شرکت عمران و بهسازی شهری (۱۳۸۱)، «*همایش‌های تخصصی*»، فصلنامه هفت‌شهر، شماره ۸، تابستان، صص ۹۸-۱۱۴.
- ۲۵- شهیدی، ا. (۱۳۸۶)، «*توانمندسازی اجتماعات محلی اسکان غیررسمی: گامی به سوی پایداری شهری*»، نشریه مسکن و انقلاب، شماره ۱۱۹، بهار.
- ۲۶- صرافی، م. (۱۳۸۱)، «*از حاشیه‌نشینی تا متن‌نشینی*»، نشریه هفت شهر، سال سوم، شماره ۸، تابستان، صص ۱۲-۵.
- ۲۷- صرافی، م. (۱۳۸۲)، «*بازنگری ویژگی‌های اسکان خود انگیخته در ایران، در جستجوی راهکارهای توانمندسازی*»، مجموعه مقالات سمینار حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، دانشگاه علوم بهزیستی.
- ۲۸- صرافی، م. (۱۳۸۷)، «*ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی کشور در پرتو حکمروایی خوب شهری*»، نشریه هفت شهر، شماره ۲۳-۲۴، بهار و تابستان، صص ۱۴-۴.
- ۲۹- صرامی، ح. (۱۳۸۳)، «*مباحثی پیرامون فقر، فقرزدایی و توانمندسازی فقیران*»، ماهنامه تعاون، شماره ۲۵۱.
- ۳۰- عبدالهی، ب. و حیدری، س. (۱۳۸۸)، «*عوامل مؤثر بر توانمندسازی اعضای هیأت علمی دانشگاه، مطالعه موردی دانشگاه تربیت معلم تهران*»، مجله آموزش عالی ایران، سال دوم، شماره ۱، تابستان، ۱۳۷-۱۱۱.

- ۳۱- عبدی، ب، سلطانی، ع. و امجدی، ج. (۱۳۸۸)، «ارائه راهکارهای جلب مشارکت ساکنان مناطق اسکان غیررسمی»، *نشریه هویت شهر*، سال سوم، شماره ۴، بهار و تابستان، صص ۷۱-۸۲.
- ۳۲- قلی‌پور، آ. رحیمیان، ا. و میرزمانی، ا. (۱۳۸۷)، «نقش تحصیلات رسمی و اشتغال سازمانی در توانمندسازی زنان تهران»، *فصلنامه پژوهش زنان*، شماره ۳، پاییز.
- ۳۳- گفتمی، م. (۱۳۸۸)، «مطالعه تطبیقی توسعه بافت توسعه بافت برنامه‌ریزی شده و بدون برنامه شهر سبزوار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۳۴- گیلبرت، آ. و ژوزف، گ. (۱۳۷۵)، «شهرها، فقر و توسعه»، مترجم: پرویز کریمی ناصری، اداره کل روابط عمومی و بین‌المللی شهرداری تهران. تهران.
- ۳۵- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، «سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵».
- ۳۶- مهندسان مشاور هفت‌شهر آریا (۱۳۸۹)، «ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی و توانمندسازی اجتماعات آن‌ها با تأکید بر بهسازی شهری شهر سبزوار»، مرحله اول جلد دوم، شرکت عمران و بهسازی، ستاد ملی توانمندسازی.
- ۳۷- مهندسین مشاور باوند (۱۳۸۳)، «طرح ساماندهی تپه‌مراد آب کرج، اسکان غیررسمی و رویکردهای مواجهه با آن در ایران و جهان»، شهرداری کرج، معاونت فنی و عمرانی.
- ۳۸- مهندسین مشاور پردازاز (۱۳۸۸)، «طرح توسعه و عمران (جامع) شهر و حوضه نفوذ شهر سبزوار، بررسی و شناخت وضع موجود شهر»، جلد اول، تیرماه.
- ۳۹- مهندسین مشاور طرح و معماری (۱۳۸۶)، «طرح توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر قم»، سازمان عمران و بهسازی شهری.
- ۴۰- نجاتی هریس، ح. (۱۳۸۵)، «بهبود کیفیت زیست در اسکان‌های غیررسمی با استفاده از راهبرد توانمندسازی اجتماعات محلی (محلّه خلیل‌آباد تبریز)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۴۱- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۲)، «طرح تفصیلی شهر سبزوار».

۴۲- هادیزاده بزاز، م. (۱۳۸۲) «حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان»، انتشارات شهرداری مشهد.

- 43- Abott, John (2002), "Analysis of Informal Settlement Upgrading and Critique of Existing Methodological Approaches", *Habitat International*, No. 26.
- 44- Arimah, Ben C. (2010), "*The Face of Urban Poverty, Explaining the Prevalence of Slums in Developing Countries*", UNU-WIDER, March.
- 45- Bego, Enkela (2003), "Assessing Feasibility Study of informal Settlements Upgrading: Are there GI Policy and Management Implications? Case Study of Windhoek, Namibia", International Institute for Geo-information Science and Earth Observation Ensched, the Netherland.
- 46- Emer, Dick (2008), "What Are Enabling Housing Strategies?" *A Paper from Seminar in Barcelona in April 2008*, Presented in Seminar: Are A Architects and Planners Obstacles to Slum Upgrading"?
- 47- Jenkins, P. (2001). "Strengthening Access to Land and Housing for the Poor in Maputo, Mozambique", *International Journal of Urban and Regional Research*, 23(3).
- 48- Mukhija, Vinit (2001), "Enabling Slum Redevelopment in Mumbai: Policy Paradox in Practice", *Housing Studies*, 18(4).
- 49- Pugh, C. (2001), "The Theory and Practice of Housing Sector Development for Developing Countries, *Housing Studies*, 16 (4).
- 50- Sietchiping, Remy (2005), "Prospective Slum Policies: Conceptualization and Implementation of a Proposed Informal Settlement Growth Model", *Third Urban Research Symposium on "Land Development, Urban Policy and Poverty Reduction"*, April, Brasilia, Brazil.
- 51- Un-Habitat, (2006), "*State of the World Cities*", London.